

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۶/۰۶/۰۱

نویسنده: ن. جلیل زاد

شریان های حیات و باروت

ژئوپلیتیک تنگه های ستراتژیک جهان در شطرنج ژئوپلیتیک جهان، جغرافیا سرنوشت است . برخلاف تصور رایج، جهان به هم پیوسته امروز روی تارهای مجازی اینترنت یا خطوط هوایی نمی چرخد، بلکه حیات آن به چند آبراهه باریک، کم عمق و به شدت آسیب پذیر وابسته است. این گذرگاه ها که در ادبیات ستراتژیک به آن ها «نقاط خفگی» (Choke Points) می گویند، نبض اقتصاد بین الملل، امنیت انرژی و توازن قوای نظامی میان ابرقدرت ها هستند.

بسته شدن یا اختلال در هر یک از این شاهراه ها، تنها یک بحران تجاری نیست، بلکه یک زلزله زمین لرزه ژئوپلیتیکی است که می تواند دولت ها را ساقط کند، قطعی های بزرگ به بار آورد و جرقه افروز جنگ های جهانی سوم باشد .

در این تحلیل، به اعماق تاریک تاریخ، حقایق فاش نشده و قمار بزرگ قدرت ها بر سر پنج گذرگاه حیاتی جهان می پردازیم.

تنگه هرمز

شمشیر داموکلس بر گردن اقتصاد جهان تنگه هرمز صرفاً یک مسیر دریایی میان ایران و عمان نیست، این آبراهه «قلب تپنده نظام سرمایه داری» است . روزانه نزدیک به ۲۰ میلیون بیلر نفت خام و حجم عظیمی از گاز مایع (LNG) از این باریکه ۳۹ کیلومتری عبور می کند .



این یعنی قطع جریان آب در هرمز، به معنای فلج شدن آنی صنایع بزرگ از توکیو و پکن تا برلین و واشنگتن است. ریشه های ژئوستراتژیک و حقایق فاش نشده تضاد حقوقی باروتزا

بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق اقیانوس ها (قوانین جامائیکا)، حق عبور از تنگه های بین المللی «عبور ترانزیتی» است .

اما ایران این کنوانسیون را تصویب نکرده و تنها به «حق عبور بی ضرر» (Innocent Passage) «پایبند است . این شکاف حقوقی به ایران اجازه می دهد که هر زمان امنیت ملی خود را در خطر ببیند، حق عبور کشتی های جنگی یا تجاری کشورهای متخاصم (مانند آمریکا) را به چلنج بکشد.

سلاح نامتقارن و کابوس جنگ

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

در صورت وقوع یک درگیری نظامی میان ایران و ائتلاف غربی، نیازی به مسدود کردن فیزیکی تنگه نیست، مین های بحری هوشمند، قایق های تندروی تهاجمی و راکت های کروز ضدکشتی ساحل پایه می توانند نرخ بیمه کشتی رانی را به حدی بالا ببرند که عملاً هیچ شرکتی جرات عبور از آن را نداشته باشد.

قیمت نفت در چنین سناریویی فراتر از بیلر ای ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار خواهد رفت که فرجام آن، یک کلان رکود اقتصادی بی سابقه در تاریخ معاصر است.

باب‌المنذب

دروازه اشک ها و دزدان دریایی

در زبان عربی، باب‌المنذب به معنای «دروازه شیون و اشک‌ها» است، نامی که از خطرات باستانی این تنگه آمده و امروز در قرن بیست و یکم، معنایی عمیق تر و هولناک تر یافته است. این تنگه با پهنای ۳۰ کیلومتر، یمن را در شبه جزیره عربستان از جیبوتی و اریتریا در شاخ آفریقا جدا می کند و حائل میان اقیانوس هند و دریای سرخ است. واقعیت های ژئوپلیتیک و رقابت مخفی قدرت‌ها

کلید ورود به کانال سوئز

اهمیت باب‌المنذب زاینده کانال سوئز است.

اگر این دروازه قفل شود، کانال سوئز به یک آبگیر بی‌خاصیت تبدیل می شود.

در سال های اخیر، جنگ داخلی یمن و قدرت گیری انصارالله (حوثی‌ها)، این تنگه را به خط مقدم جنگ های نیابتی تبدیل کرده است. حملات طیاره های بی سرنشین و راکتی به کشتی های تجاری عملاً ثابت کرد که چگونه یک گروه شبه نظامی می تواند جریان تجارت جهانی را مختل کند و ارتش های بزرگ جهان را به تکاپو بیندازد.

تراکم پایگاه های نظامی در جیبوتی

هیچ کجای جهان به اندازه جیبوتی (در مجاورت تنگه) میزبان پایگاه های نظامی ارتش های متخاصم نیست.

ایالات متحده، فرانسه، جاپان، ایتالیا و از همه مهم تر چین (در اولین پایگاه نظامی فرامرزی خود)، در این نقطه حضور دارند.

این آرایش نظامی نشان می دهد که شاخ آفریقا انبار باروتی است که صلح جهانی را تهدید می کند.

اگر مسیر باب‌المنذب ناامن شود، کشتی ها ناچارند قاره آفریقا را دور بزنند (دماغه امید نیک) که این یعنی افزایش ۱۴ روزه زمان سفر و میلیاردها دالر خسارت به زنجیره تأمین غذا و کالا.

کانال سوئز

شریان حیاتی اوراسیا و میان‌بر استعمار

کانال سوئز، این شاهکار مهندسی قرن نوزدهم در مصر، مظهر پیوند ژئوپلیتیک شرق و غرب است.

پیش از حفر آن، بریتانیای استعمارگر باید برای رسیدن به هندوستان کل آفریقا را دور می زد. امروزه بیش از ۱۲ درصد تجارت جهانی و ۳۰ درصد از ترافیک کانتینری جهان از این کانال ۱۹۳ کیلومتری عبور می کند.

بحران های تاریخی و ضریب آسیب‌پذیری بالا.

درس های تاریخ

در سال ۱۹۵۶، جمال عبدالناصر با ملی کردن کانال سوئز، بحرانی بزرگ آفرید که منجر به حمله نظامی بریتانیا، فرانسه و اسرائیل به مصر شد.

این رویداد نشان داد که تصاحب سوئز، تصاحب رگ غیرت قدرت های استعماری است. همچنین پس از جنگ شش روزه ۱۹۶۷، این کانال به مدت ۸ سال بسته شد که آسیب شدیدی به اقتصاد اروپا وارد کرد.

سندروم «اور گیون» (Ever Given)

در مارچ ۲۰۲۱، زمین گیر شدن کشتی غول پیکر «اور گیون» به مدت تنها ۶ روز، زنجیره تأمین جهانی را فلج کرد و روزانه حدود ۹.۶ میلیارد دالر به تجارت بین‌الملل خسارت زد.

این حادثه فاش کرد که زیرساخت های مدرن جهان تا چه حد شکننده هستند.

هرگونه خرابکاری سایبری، عملیات تروریستی یا ریزش دیواره های کانال در یک مناقشه نظامی، می تواند اروپا را از منابع انرژی و کالاهای ارزان قیمت آسیا محروم ساخته و سقوط اقتصادی ایجاد کند.

تنگه جبل‌الطارق

صخره غرور و گرمگاه امپراتوری ها

تنگه جبل‌الطارق با عرض ۱۴ کیلومتر، مدیترانه را به اقیانوس اطلس متصل می کند و مرز میان دو قاره اروپا و آفریقا است.

این صخره ستراتیژیک قرن هاست که شاهد خونین ترین نبردهای بحری تاریخ بوده است.

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

کشمکش های حاکمیتی و ارزش نظامی
استخوان لای زخم اسپانیا و بریتانیا
هرچند جبل الطارق در جنوب اسپانیا قرار دارد، اما از سال ۱۷۱۳ و بر اساس معاهده اوترخت، تحت حاکمیت بریتانیا
است .
این منطقه یکی از بزرگ ترین مناقشات سرزمینی درون اروپا است .
اسپانیا آن را بخشی از خاک خود می داند، اما لندن به دلیل اشراف نظارتی بر ورود و خروج هرگونه شناور به بحر
مدیترانه، هرگز حاضر به واگذاری آن نیست.
امنیت جناح جنوبی ناتو
در دکترین نظامی ناتو، جبل الطارق خط دفاعی اول در برابر نفوذ زیردریایی های روسیه از بحر سیاه و مدیترانه به
اقیانوس اطلس است .
کنترل بر جبل الطارق به معنای تسلط بر امنیت کل سواحل جنوبی اروپا و شمال آفریقا است. تغییر در موازنه قدرت
این منطقه، مستقیماً امنیت کشورهای حوزه مدیترانه را با تهدیدهای نامتقارن مانند قاچاق انسان، تروریسم و جنگ
های متعارف روبرو می کند.
کانال پاناما
مهندسی قدرت در حیاط خلوت آمریکا
کانال پاناما اقیانوس اطلس را به آرام متصل می کند و مسیر بحری میان سواحل شرقی و غربی آمریکا را حدود ۱۳
هزار کیلومتر کوتاه کرده است .
این کانال مظهر عینی «دکترین مونرو» و سلطه ایالات متحده بر نیمکره غربی است.
ژئوپلیتیک آب و بحران های نوین زیست محیطی
تاریخچه استعماری مکتوم
پاناما در ابتدا بخشی از خاک کلمبیا بود .
در ابتدای قرن بیستم، آمریکا با تحریک و حمایت از جدایی طلبان پاناما، این کشور را تاسیس کرد تا بتواند قرارداد
حفر کانال را به سود خود امضا کند .
کانال تا سال ۱۹۹۹ عملاً در اشغال و کنترل نظامی آمریکا بود.
تهدید خشکسالی به جای باروت
برخلاف سایر تنگه ها که تهدید نظامی دارند، پاناما امروز با تهدید زیست محیطی دست و پنجه نرم می کند .
این کانال برخلاف سوئز، هم سطح بحر نیست و از سیستم «قفل های آبی» و آب شیرین دریاچه گاتون تغذیه می کند .
تغییرات اقلیمی و خشکسالی های اخیر باعث کاهش شدید سطح آب این دریاچه شده است، به طوری که مقامات کانال
مجبور شده اند تردد کشتی ها را محدود کنند .
این محدودیت، هزینه های حمل و نقل کالا میان چین و سواحل شرقی آمریکا را به شدت افزایش داده و نشان می دهد
سرنوشت ملت ها چگونه به تغییرات آب و هوایی در این نقاط کلیدی گره خورده است.
سرانجام
آینده جهان در گرو این تنگه ها و باریکه ها
بررسی این تنگه ها نشان می دهد که صلح جهانی و رفاه مدرن بشر تا چه حد بر سازه هایی لرزان استوار است .
توازن قدرت جهانی دیگر در پایتخت ها رقم نمی خورد، بلکه در پهنای چند ده کیلومتری این آبراهه ها تعیین می
شود.
هرگونه اشتباه محاسباتی از سوی قدرت های بزرگ نظیر ایالات متحده، چین یا قدرت های منطقه ای مانند ایران در
این نقاط خفگی، می تواند زنجیره تأمین مواد غذایی و انرژی را متلاشی کند .
قحطی های گسترده در کشورهای در حال توسعه و تورم های کمر شکن در کشورهای توسعه یافته، کمترین پیامد
انسداد این شریان هاست .
واقعیت عریان جیوپلیتیک به ما می گوید :
هر کس بر تنگه ها فرمان براند، بر جهان فرمان می راند.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد

د پانو شمېره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاډونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ